

چرا فهم ژئوپلیتیک از نان شب برای بقای یک ملت واجب‌تر است؟

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای فکری در فضای سیاسی ایران، تقلیل همه مسائل به جمهوری اسلامی است؛ گویی تاریخ، جغرافیا، انرژی، رقابت قدرت‌های جهانی، موقعیت راهبردی خلیج فارس و هزاران عامل دیگر وجود خارجی ندارند و تمام توجه قدرت‌های بزرگ صرفاً متوجه نوع حکومت در تهران است. این نگاه، بیش از آنکه سیاسی باشد، ساده‌انگارانه است. قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ به حکومت‌ها علاقه‌مند نبوده‌اند؛ به منافع خود علاقه‌مند بوده‌اند.

امپراتوری بریتانیا برای دموکراسی به هند نرفت. روسیه تزاری برای حقوق بشر به قفقاز نیامد.

شوروی برای آزادی وارد افغانستان نشد. و آمریکا نیز در سیاست خارجی خود، پیش از هر چیز، منافع ملی خود را دنبال می‌کند. این نه توهین به آمریکا است و نه ستایش دیگران؛ این الفبای علم سیاست و روابط بین‌الملل است.

دولت‌ها اخلاق را تبلیغ می‌کنند، اما بر اساس منافع عمل می‌کنند. به همین دلیل، برای فهم مسئله ایران، باید یک گام از دعوای روزمره سیاسی عقب‌تر رفت و از خود پرسید: چرا ایران؟

چرا این سرزمین در دو قرن گذشته همواره در مرکز رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است؟ پاسخ را باید در نقشه جست‌وجو کرد، نه در شعارها. ایران فقط یک کشور نیست. یک گره ژئوپلیتیکی است.

در شمال به قفقاز و آسیای مرکزی متصل است، در جنوب بر خلیج فارس و تنگه هرمز اشراف دارد، در شرق به شبه قاره هند و در غرب به قلب خاورمیانه راه پیدا می‌کند. بخش مهمی از انرژی جهان از پیرامون آن عبور می‌کند و در یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیک جهان قرار گرفته است.

جغرافیا را نمی‌توان برکنار کرد. حکومت‌ها تغییر می‌کنند، اما جغرافیا بر سر جای خود می‌ماند. قاجار رفت. پهلوی رفت. دولت‌های بسیاری آمدند و رفتند. اما ایران همچنان همان نقطه حساس روی نقشه باقی مانده است. به همین دلیل، تصور اینکه همه فشارها، رقابت‌ها و تنش‌های موجود صرفاً به یک حکومت خاص مربوط است، با واقعیات تاریخی سازگار نیست.

ممکن است درباره جمهوری اسلامی هزار نقد وارد باشد. ممکن است درباره عملکرد آن در حوزه‌های مختلف اختلاف نظرهای جدی وجود داشته باشد. اما یک پرسش مهم همچنان باقی می‌ماند: اگر فردا این حکومت وجود نداشته باشد، آیا اهمیت ژئوپلیتیکی ایران نیز از بین خواهد رفت؟ پاسخ روشن است. خیر.

قدرت‌های جهانی همچنان به ایران نگاه خواهند کرد، زیرا موضوع اصلی، فقط حکومت نیست؛ خود ایران است. تاریخ خاورمیانه نیز هشدارهای کافی در اختیار ما قرار داده است. در بسیاری از کشورها، فروپاشی ساختار قدرت نه به آزادی انجامید و نه به دموکراسی.

خلاً قدرت در موارد متعدد به جنگ داخلی، چندپارگی اجتماعی، ظهور گروه‌های مسلح، مداخله خارجی و سال‌ها بی‌ثباتی منجر شد. این یک قانون تلخ ژئوپلیتیک است: در جهان سیاست، خلاً قدرت معمولاً خالی نمی‌ماند. دیگران آن را پر می‌کنند. به همین دلیل است که مفهوم «استقلال» را نمی‌توان به یک شعار تبلیغاتی تقلیل داد. استقلال صرفاً یک واژه احساسی نیست.

استقلال یعنی توانایی تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خود. ملتی که این توانایی را از دست بدهد، حتی اگر انتخابات برگزار کند، حتی اگر صدها حزب داشته باشد، باز هم در تعیین مسیر خود آزاد نخواهد بود. شاید به همین دلیل باشد که مسئله ایران را باید فراتر از دوگانه‌های رایج دید. فراتر از جمهوری اسلامی و اپوزیسیون. فراتر از چپ و راست. فراتر از سلطنت و جمهوری. زیرا پیش از همه این‌ها، یک واقعیت وجود دارد: ایران. سرزمینی که در سه قرن گذشته بارها هزینه ضعف داخلی، شکاف‌های سیاسی و ناآگاهی تاریخی را پرداخته است. ملتی که بخش‌های بزرگی از قلمرو تاریخی خود را از دست داده و بارها قربانی رقابت قدرت‌های خارجی شده است. از این منظر، شاید مهم‌ترین پرسش سیاسی امروز ایران این نباشد که چه کسی حکومت می‌کند. بلکه این باشد که چگونه می‌توان ایران را در جهانی که همچنان بر مدار قدرت می‌چرخد، حفظ کرد. زیرا حکومت‌ها موقتی‌اند.

احزاب موقتی‌اند. ائتلاف‌ها موقتی‌اند. اما اگر یک ملت، انسجام تاریخی و توان دفاع از موجودیت خود را از دست بدهد، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند که درباره شکل حکومت آن بحث شود. تراژدی بسیاری از جوامع این بود که آن‌قدر درگیر نزاع بر سر تصاحب خانه شدند که متوجه نشدند دیوارهای خانه در حال فروریختن است. و تاریخ، بی‌رحم‌تر از آن است که برای ملت‌هایی که جغرافیای خود را فراموش می‌کنند، فرصت‌های بی‌پایان قائل شود. شاید بلوغ سیاسی از همین نقطه آغاز شود: از لحظه‌ای که انسان بتواند میان نقد قدرت و حفاظت از کشور تمایز قائل شود. زیرا ممکن است درباره حکومت‌ها اختلاف داشته باشیم، اما درباره بقای ایران، حق نداریم دچار بی‌تفاوتی شویم. چون در نهایت، حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما اگر ایران آسیب ببیند، آنچه از دست خواهد رفت، نه یک دولت، بلکه میراث هزاران ساله یک تمدن خواهد بود.